

یافته‌هایی از طرح شنب‌غازان، پدیده شهری عصر ایلخانی به نام ابواب البر

دکتر جواد شکاری نیری *

تاریخ دریافت مقاله: ۸۴/۹/۵

تاریخ پذیرش نهایی: ۸۴/۱۱/۱

چکیده:

در عصر جهاننداری مغول‌ها یا دوره ایلخانی، پدیده نوینی در عرصه‌های معماری و شهرسازی موسوم به ابواب البر معمول می‌گردد که در این طرح مقبره بانی به عنوان عنصر سازمان دهنده سایر فضاهای اقماری مجموعه مشهود است. دو شهرک اقماری در قرن هفتم هجری در دو طرف تبریز بر اساس یک ایده منطقی شهرسازی احداث می‌گردد که یکی شنب‌غازان در سمت غرب و دیگری ربع رشیدی در شرق تبریز است. وضعیت ساختمانی شنب‌غازان به رغم شهرت بسیار آن، به دلیل از بین رفتن هرگونه آثار فیزیکی، در پرده ابهام است و حتی تفسیرهای متفاوتی از مفهوم نام آن ارثه می‌گردد. نگارنده بر اساس مطالعات متون آن عصر در مورد اوصاف معماری شنب‌غازان و تحلیل و مقایسه آنها با تصاویر مینیاتور و طرح‌هایی که توسط سیاحان اروپایی تهیه شده است؛ ضمن نقد نظر و طرح دونالد ویلبر موفق گردید با طرح نقشه‌هایی از کلیت آن، نحوه استقرار فضاهای معماری آن را نیز روشن نماید.

واژه‌های کلیدی:

شنب‌غازان، ابواب البر، مجموعه‌های معماری، مراکز علمی مذهبی، شهرک‌های اقماری.

مقدمه

علمی، مذهبی و عام‌المنفعه برپا ساخته تا بدینوسیله آرامگاه خود را نیز همواره دایر و پروتق نگهدارد.

شب غازان به رغم وسعت و عظمت بسیار خود و به رغم نیت خیرخواهانه بانی آن سرانجام از صفحه روزگار محو می‌شود؛ به طوری که امروزه اثری از آن دیده نمی‌شود. هیچگونه نقشه‌ای تاکنون از آن مجموعه‌ی معماری ترسیم نشده است. گرچه برخی چون دکتر دونالد ویلبر سعی کرده طرحی از مقبره آن ارائه نماید ولی پژوهش‌های دقیق تر صحت طرح او را با تردید جدی مواجه ساخته است. نیز ویلبر سعی کرده فقط طرحی از آرامگاه او را ارائه کند. بنابراین جای مجموعه معماری آن یعنی فضاهای تشکیل دهنده پیرامون مقبره در طرح او کاملاً خالی به نظر می‌رسد. با اتکاء به مدارک مطمئن تر و براساس مطالعات پی گیر و یافته‌ها و بررسی‌ها و براساس نتایج به دست آمده می‌توان طرحی از کلیت آن ارائه نمود تا برای شناخت بهتر آن کمکی نموده باشد.

عصر ایلخانی، سرآغازی دیگر برای تولد مجموعه‌های معماری و فضاهای مستقل شهری به نام ابواب البر، با الهام از اماکن مقدس و متبرک و نیز مراکز علمی، آموزشی که در واقع خود ترکیبی از مجموعه‌های علمی مذهبی مذکور است.

ایلخانان مغول پس از آشنایی با فرهنگ و تمدن ایرانی و در روزگار جهاننداری، رویه‌های متفاوتی نسبت به روزگار جهانگیری اتخاذ کردند. به طوری که ما در این عصر نخست ظهور مراکز علمی و آموزشی و تحقیقاتی بزرگی چون رصدخانه مراغه را شاهد هستیم و سپس به دنبال آن مجموعه‌های علمی مذهبی بزرگی چون شب غازان، ربع رشیدی و سلطانیه و سایر مراکز به ظهور می‌رسند. متون آن دوره از آنها نیز با عنوان ابواب البر یاد می‌کنند.

حاکم ایلخانی چون غازان خان با مشاهده قبور ائمه اطهار و سایر بزرگان دینی و عرفا، به علل رونق این مراکز پی برده و احترام خاص آنها را در نزد مردم، درک می‌کند لذا سعی می‌کند با اختصاص موقوفات بسیار، در اطراف مقابر خود، یک بنیاد بزرگ

معنی و مفهوم شنب

بهرترین و کامل‌ترین توضیحات در مورد مفهوم شنبه و شنب، متعلق به کتاب هفت پیکر نظامی است. نظامی هفت روز هفته را با هفت آسمان که خود گنبدی شکل است؛ با هفت رنگ مرتبط ساخته و پیوند بسیار قوی بین آنها برقرار نموده است. لذا شنبه در اسامی روزهای هفته معنی و مفهوم گنبد را نیز به خوبی القا می‌کند، نگارنده این موضوع را در مقاله‌ای که اخیراً دانشگاه تربیت مدرس، به صورت مجموعه مقالات سمینار هنر اسلامی منتشر ساخته به طور مفصل تشریح نموده است^۱ (شکاری، ۱۳۸۱، صص ۱۹۴-۱۷۷). شکی وجود ندارد که شنب به معنی گنبد است؛ البته نه در زبان مغولی بلکه در فرهنگ و زبان ایرانی دارای چنین معنی و مفهوم است. اما یک نکته قابل تأمل نیز در مورد تشابه و تقارن کلمه شام با شنب مشهود است. چرا که این کلمه به صورت شم نیز به کار رفته است. نادر میرزا می‌نویسد: اکنون سواحل رود ناحیه مشکین را که برنج و دیگر حبوبات زرع کنند شام گویند (نادر میرزا، ۱۳۷۳، ص ۱۲۲).

گفتنی است در منطقه نیر (اردبیل) زادگاه نگارنده نیز کلمه شام و شامات را در مورد زمین‌های حاصل خیز و کنار رودخانه و نیز زمین‌های حاصلخیز آبی و غیر ماسه‌ای به کار می‌برند و

در فرهنگ نسبتاً قدیمی آندراج پیرامون معنی شنب چنین نگاشته شده است: شنب - بروزن خنب، یعنی خم به معنی گنبد است، شنب غازان - نام گنبد غازان در تبریز که سلطان محمود غازان بن ارغن خان (ارغون) ساخته ارتفاع آن را یکصد و بیست گز و قطرش را شصت گز نوشته‌اند که اکنون خراب است.

این لغت‌نامه در مورد معنی شنبه که دست‌کم تشابه لفظی روشن با شنب دارد. شرح خوبی به این صورت می‌خوانیم: شنبه - نام اولین روز از ایام هفته است و تا شش روز مکرر شود و آن را شنبد با دال نیز گفته‌اند... و گفته‌اند شنبد بوزن و معنی گنبد بوده، چنانکه گذشت و بهرام گور هفت گنبد به هفت جا ساخته بوده است و هر گنبدی مناسب به ستاره و هر روز منسوب به آن ستاره با لباس مخصوص (به رنگ همان گنبد) در گنبدی، بسر بردی چنانکه گنبد ششم به روز پنجشنبه افتادی و روز هفتم که به گنبد هفتم رفتی آن را شش شنبه گفتی، نام جمعه که عربی است بعد از ظهور اسلام در هفته در آوردند و اصل آن یوم‌الزینه بوده است و آن را یوم آذینه گفته‌اند. و آذین به لغت پارسی زینت را گویند و اکنون با دال استعمال می‌شود (محمدپادشاه، ۱۳۳۶، صص ۸-۲۶۷۷).

زیادت عمارتی میسر نمی‌شد و آن نیز که کردند بر بنیاد نبود و به اندک زمانی خراب گشت" (فضل‌الله همدانی، ۱۳۷۳، صص ۷۰-۱۳۶۹).

از نوشته‌های خواجه رشیدالدین بر می‌آید که مدیریت کارگاهی ضعیف و ناکارآمد از دلایل عمده چنین وضعیتی تا قبل از دوره پادشاهی غازان بوده است. بنابراین غازان خان در عرصه مدیریت مالی و کارگاهی افراد امین و مورد اطمینان را نصب می‌کند که رشیدالدین از آنها به صورت خواجگان معتبر و نویسندگان درست قلم و معماران مهندس نام می‌برد. و امر نظارت و برآورد هزینه‌ها و نیز اجرا را با جدیت اعمال می‌نماید. تا اینکه غل و غشی در خرید وسایل لازم و نیز اجرای درست ساختمان، پیش نیاید. این خود علاقمندی ایلخان را به معماری و شهرسازی بیان می‌کند که نتیجه آن رشد آبادانی و پدیده‌های معماری و شهرسازی به صورت نوین است.

رشیدالدین می‌نویسد که غازان خان عمارات بی‌اندازه در اکثر ولایات ساخته است و در عهد او هزاران آدمی به مشارکت ایشان به عمارت مشغول هستند. به طوری که در سایهٔ توجهات خاص در امر آبادانی، قیمت هر خانه و باغ که قبلاً صد دینار بود؛ در این زمان به هزار دینار می‌رسد. این خود شاهدهی گویا بر بهبود اوضاع عمران و آبادانی و اقتصاد و کشاورزی و... است. از اقدامات دیگر غازان دستور احداث بارو بر اطراف تبریز است که دور اندیشی خاصی در آن دیده می‌شود و دستور می‌دهد که باروی شهر تنها محدود به هستهٔ مرکزی نشود؛ بلکه باغ‌ها و محلات بیرون شهر را نیز دور بزند تا بدینوسیله در صورت ازدیاد جمعیت، مردم مجبور نشوند ساختمان‌های چند طبقه با کوچه‌های تنگ و باریک بسازند. چه بسا از دهام جمعیت در بافت مترکم معضلات بهداشتی پدید آورده و سلامتی افراد را تهدید می‌کرد و این به تجربه ثابت شده بود. "چه مجرب است که بعضی شهرها که خدای تعالی آن را دولتی می‌دهد و آبادانی می‌شود به واسطه کثرت، جای بر مردم تنگ می‌گردد؛ دو سه طبقه عمارت بر هم می‌نهند و کوچه‌ها تنگ و بلند دیوار، می‌شود و هوای متعفن، بدان سبب وبا ظاهر می‌گردد و رنجوریهای متنوع بادید^۴ می‌آید و دیگر بار خراب می‌شود. مانند شهر خوارزم" (فضل‌الله همدانی، ۱۳۷۳، صص ۳-۱۳۷۱).

به همین دلیل است که در عصر ایلخانان مغول هنگام انتخاب تبریز به پایتختی گسترش خود شهر مد نظر قرار نمی‌گیرد بلکه به ایجاد شهرک‌های اقماری روی می‌آورند، به طوری که شنب‌غازان که عنصر سازمان دهندهٔ شهری آن یک مجموعهٔ علمی مذهبی به مرکزیت مقبره غان است در غرب تبریز ساخته می‌شود و شهرک دانشگاهی و علمی تحقیقاتی و مذهبی ربع رشیدی نیز در شرق تبریز و با فاصله‌ای از پایتخت ایجاد می‌شود تا از فجایع انسانی در اثر گسترش بی‌رویه شهر جلوگیری شود. (نقشه شماره ۱)

امروزه این کلمه بین کشاورزان منطقه واژه آشنا و معنی دارای است. لذا اطلاق هر یک از مفاهیم، نفی کنندهٔ مفهوم دیگری نیست به طوری که مرحوم یحیی ذکاء نوشته " شنب " در زبان مغولی بمعنی " مزار " است و در تبدیلات به صورت " شم " درآمده است چنانکه " دنب " دم نوشته و خوانده می‌شود. از سوی دیگر در زبان مردم آذربایگان واژه‌یی به شکل " شام " " شم " هست که به زمین‌های مسطح و علفزارهای کرانهٔ رودخانه و دریاچه‌ها گفته می‌شود و پیش از وجود شنب‌غازان، به این بخش از غرب شهر نیز شام و شم می‌گفتند. تصادفاً این دو واژه و اصطلاح با هم تلاقی کرده و اینک آنجا را شام‌غازان و شم‌غازان و شنب‌غازان به هر سه صورت می‌نامند (ذکاء، ۱۳۶۸، صص ۲۰۱).

سرانجام اینکه فرهنگ نفیسی "شم" را اینگونه معنی کرده است... خانه زیرزمینی و کاروانسرا و جای باش ستور، و "شنب" را هم به معنی گنبد و قبه، آورده است. (نفیسی، ۲۵۲۵، صص ۱۶۲۵) غالباً فرهنگ‌نامه‌های مشهور برای این کلمه همین معنی را نوشته‌اند.

پس نتیجه می‌گیریم که شنب به معنی گنبد است و البته در آذربایجان به زمین‌های حاصلخیز کنار رودخانه نیز شام گفته می‌شود و در واقع شم نیز محرف این دو کلمه به دو معنی است.

آغاز شهرسازی در شم تبریز

قبل از غازان، ارغون خان در منطقهٔ غرب تبریز در ناحیه‌ای موسوم به شم شروع به آبادانی نمود. رشیدالدین فضل‌الله در این رابطه چنین می‌نویسد: " چون ارغون خان به کار عمارت عظیم مایل بود در موضع شم تبریز شهری معظم بنیاد نهاد و در آنجا خانه‌هایی را اساس افکندند و فرمودند که هر آفریده که خواهد در آنجا خانه سازد.

و کهریزی جاری گردانید و آن را ارغونیه نام نهاد و در شرویان نیز شهری بزرگ بنا کرده بود و به اتمام نرسید" (رشیدالدین فضل‌الله همدانی، ۱۳۷۳، صص ۱۱۷۹). از نوشته‌های رشیدالدین چنین بر می‌آید که اقدامات مغولان تا این زمان در عرصه معماری و شهرسازی به دلیل کوتاهی عمر خانان مغول و یا به کار نیستن تجارب کافی و مهارت‌های لازم و... چندان موفقیت آمیز نبوده است.

رشیدالدین می‌نویسد: " پیش از این (زمان غازان خان) پادشاهان مغول و بعضی از آبا و اجداد پادشاه اسلام خلد سلطانه، هوس عمارت داشته‌اند و در آن شروع کرده، لیکن کمتر به انجام رسانیده چنانکه مشاهده رفته، و هر کجا بنیادی نهادند، مبالغ اموال بر آن صرف شد و از ولایات وجوه " تابقور"^۲ و چهارپای و آلت و مزدور می‌آوردند و خلائق را زحمات می‌رسید و اکثر تلف می‌شد، و مال از میانه می‌رفت و

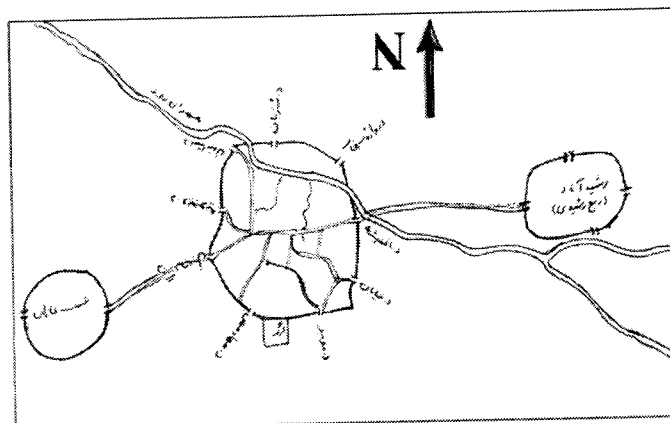
۱۷۹) لذا ابواب البر در این عصر بر خلاف گذشته، مکان و محلی به منظور ترویج تعقل و عبادت و فضیلت است که برای کسب درجات و در هر یک از زمینه‌های فوق بناهای مورد نیاز را هم احداث می‌کردند و معمولاً موقوفات لازم برای بقای آن در نظر گرفته می‌شد و این فلسفه وجودی ابواب البر در عرصه شهرسازی عصر ایلخانی است.

از میان آنها نخست ابواب البر شنب، سپس ربع رشیدی و پس از آن سلطانیه به صورت گسترده‌تری پدید آمدند و رشیدالدین فلسفه احداث ابواب البر چنین را توضیح می‌دهد:

رسم پادشاهان مغول این بوده است که محل دفن آنها مخفی بود - بیم از نبش قبر توسط بازمانده‌های مقتولان و یا افراد طماع از دلایل آن می‌تواند باشد - اما چون غازان مسلمان شد شروع به سنت شکنی نمود. و در بازدیدی که غازان خان از مقابر اولیا و زیارتگاه‌های ائمه در طوس اعلی ساکنه السلام و تربت سلطان با یزید و ابوالحسن خرقانی و شیخ ابوسعید ابوالخیر و زیارتگاه‌های امامان شیعه در عراق، با مشاهده انبوه زوار می‌گوید؛ کسی که بدین صورت از دنیا برود در واقع نمی‌توان آنها را مرده پنداشت. "این مردن بهتر از زندگانی دیگران است و هر چند ما را مرتبه صلحا نیست لیکن از راه تشبیه به ایشان ابواب البری ساختن که جای آخرت ما باشد و بدان واسطه خیری و صدقه‌ای جاری گردد تا به برکات آن رحمت خدای تعالی دستگیری نماید و ثوابی دایمی مدخر گردد. - بنابراین تصمیم خود را سرانجام عملی می‌نماید -" و روز شنبه شانزدهم ذی الحجه سنه ست و تسعین و ستمائمه (۶۹۶) در میان باغ عادلیه به موضع شم، بنیاد قبه‌ای عالی نهاد و در آن کار، هوسی و شعفی تمام داشت و همواره بر سر استادان بنا و عمله تردد می‌فرمود چون بنیاد سرداب گنبد بر روی زمین آوردند؛ مهندسان سوال کردند که در چند موضوع جهت روشنایی روزن بگذاریم؟ فرمود که از بهر چه، گفتند تا زیر زمین روشن باشد. جواب داد که روشنی آنجا از اینجا می‌باید برد و الا روشنایی عارضی آفتاب در آن موضع مرد را سودی ندهد" (فضل الله همدانی، ۱۳۷۳، ص ۱۲۸۲). (طرح‌های ۱ و ۲)

خواجه رشیدالدین در جای دیگر می‌نویسد " و شهری دیگر بزرگتر از محوطه تبریز قدیم در موضع شنب، و شم نیز گویند، که ابواب البر ساخته بنا فرموده چنانکه ابواب البر و اکثر باغات آن محیط است و آن را غازانیه نام نهاد و فرمود که تجار که از روم و افرنج رسند بار آنجا گشایند. و فرمود تا بر هر دروازه‌ای از دروازه‌های نو تبریز داخل شهر متصل دروازه، کاروانسرای بزرگ و چهار بازار و حمام بنا کرده آید" (فضل الله همدانی، ۱۳۷۳، ص ۱۲۷۴). و دستور داده بود که هر کس از کاروانیان به شهر می‌رسد پس از باراندازی ابتدا حمام رفته و سپس وارد شهر بشوند.

وصاف تاریخ شروع بنای شنب غازان را ۶۹۷ و تاریخ



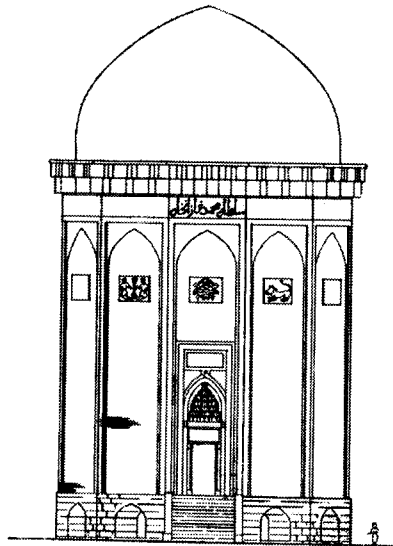
نقشه شماره ۱- موقعیت شنب غازان و ربع رشیدی در طرفین تبریز قرن هفتم (ترسیم نگارنده)

شنب غازان سر آغاز پدیده ابواب البر در شهرسازی

یکی از ابداعات نوین در زمینه شهرسازی که در دوره غازان خان معمول گردید پدیده ابواب البر است که با الهام از بقاع متبرک و مشاهد و مزارهای اولیا در ایران رواج یافت.

در واقع این نوآوری جایگزین هسته مرکزی سابق و یا کهندژ گردید. اما با رویکردی مذهبی و اعتقادی همراه شده است و غازان خان را می‌توان بانی آن دانست. به طوری که از معنی و عملکرد ابواب البر دریافت می‌شود، این درگاه‌های نیوکواری، مجموعه‌های معماری در هسته مرکزی شهر با عملکردهای مذهبی و عملی آموزشی هستند که هسته اصلی آن بقعه بانی است. برای این ساختار، موقوفات عظیمی در نظر گرفته می‌شد و فضاهای اقماری در این رابطه به منظور اداره و جاودانه نگه داشتن آن احداث می‌شد. اگر چه هیچکدام از آن بناها غیر از مقبره الجایتو آن هم به صورت مثله شده یا برجها نماندند و اغلب در چنگال حوادث ویرانگر گرفتار شدند. بدین ترتیب کوچک‌ترین اثر معماری مشهود از هیچیک باقی نماند و به عبارتی آرزوی بانیان آن در مورد جاودانگی آثارشان در طی روزگار، صورت عملی به خود نگرفت.

نگارنده در جستجوی ریشه ابواب البر و سابقه این واژه به حدیثی از حضرت پیامبر (ص) در کتاب "المهجه البیضاء فی تهذیب الاحیاء" برخوردم؛ "اذا تقرب الناس بابواب البر فتقرب انت بعقلک" (کاشانی، ۱۹۸۳، ص ۱۷۹) و رشیدالدین فضل الله از جمله معدود افرادی است که مطالعات گسترده‌ای در متون و منابع اسلامی داشته است. چرا که افزایش کمال و یا عاقل تر شدن، موجبات تقرب به خداوند می‌گردد و لذا در پیرامون بقعه، ایجاد اماکنی چون مدرسه، مسجد، خانقاه، کتابخانه و... در راستای همین هدف، مفهوم ابواب البر را توضیح می‌دهد. فیض کاشانی در ادامه توضیح حدیث می‌نویسد که روزی از پیامبر اسلام پرسیدند یا رسول الله داناترین، عابدترین و فاضل‌ترین مردم چه کسی است؛ فرمود عاقل. (کاشانی، ۱۹۸۳، ص



طرح شماره ۳- طرح بازسازی از گنبد غازان توسط ویلبر
(از کتاب معماری ایلخانی، د. ویلبر)

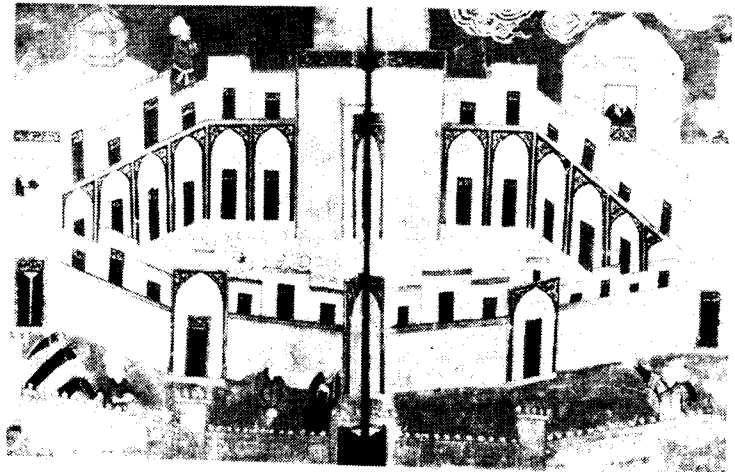
بنا به نوشته‌های او در کتاب جامع التواریخ بناهای مجموعه
شنب‌غازان بجز گنبد ۱۲ مورد است و عبارتند از:
الف: گنبد عالی که مدفن غازان و اصلی‌ترین بنای ابواب البر
بوده است.

- ۱- مسجد جامع ۲ و ۳- مدارس شافعیه و حنفیه ۴-
- خانقاه ۵- دارالسیاده (جهت پذیرایی از سادات) ۶- رصد
- (رصدخانهٔ احداثی غازان مرکز آموزشی و پژوهشی بوده
- است، چرا که در بحث حقوق پرسنل از مدرس حکمیات و معید و
- متعلمان، خازن و مناول و سایر عمه ذکر شده است) ۷-
- دارالشفاء ۸- بیت‌الکتب ۹- بیت‌القانون ۱۰- بیت‌المتولی
- ۱۱- حوضخانه ۱۲- گرمابه سبیل

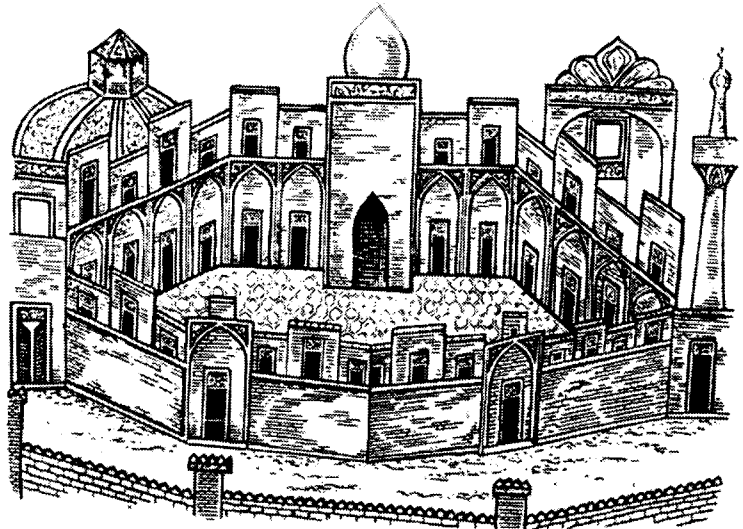
خواجه رشیدالدین وجه عمارت شنب‌غازان را چنین
توصیف نموده است، " عمارت گنبد عالی و ابواب البر که در
دوازده ضلع آن است و گوشک عادلیه که ارغون خان ساخته
است به موجب نص واقف که در وقفیه مبارکه مسطور
است..." (فضل‌الله همدانی، ۱۳۷۲، صص ۴-۱۳۷۸).

وصاف ابعاد و اجزای گنبد را چنین توصیف می‌کند " و
چون دایره بنا مقداری از زمین بالا آمد. دیواری از آجر بر روی
آن بساختند و عرض دیوارها سی و سه آجر بهم چسبیده بود...
در مسافت هر دوری چهارده هزار و چهارصد عمه را حسب
افتاد؛ بلندی قبه صد و سی گز و طول دیوار هشتاد گز تا آخر
سال ۷۰۲ تقریباً تمام شد. و کتبه و شرفات قبه، ده گز و طاس
قبه چهار گز بود و به هر چهار گز که بالا می‌رفت داریست را نیز
استوارتر بالا می‌بردند، ده هزار دینار مصرف می‌شد اما
مساحت سطح دایره گنبد پانصد و سه گز باشد چه قطر دایره
آن هشتاد است، در اطراف آن که دوازده ضلع داشت دوازده بنا
بر پا داشتند... " (وصاف، ۱۳۷۲، صص ۳۰-۲۲۹).
(طرح‌های شماره ۲ و ۳ و ۴ و ۵)

نادر میرزا می‌نویسد " من به سال یک هزار و دو بیست و
پنجاه و هشت به دیدن آن آثار شدم بعضی از جوار و حجره‌ها
بمانده بود... اکنون از آن بنا تلی برجای است همه از



طرح شماره ۱- مینیاتوری از شنب‌غازان در جامع التواریخ رشیدی ۸۱۳ ه
(از کتاب شهرهای ایران دکتر کیانی)



طرح شماره ۲- طرحی از شنب‌غازان بر اساس مینیاتور زمان رشیدالدین
(از کتاب باغها و پارکهای آذربایجان، تالیف قازان نوا)

اتمام آن را ۷۰۲ ذکر می‌کند و بدین ترتیب یکسال در تاریخ
شروع با رشیدالدین فضل‌الله همدانی اختلاف دارد (وصاف،
۱۳۷۲، ص ۲۳۰).

آرایش فضاهای معماری مجموعه شنب‌غازان

رشیدالدین طراحی گنبد را کار خود غازان خان ذکر می‌کند
که در خارج شهر در جانب غربی در موضع شنب، خویشتن
طرح کشیده آن را بنا نهاد. خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی
بر اساس وقفنامه‌ی شنب‌غازان، فضاهای معماری آن را شرح داده
است. باید خاطر نشان شود که خود رشیدالدین تولیت شنب
غازان را نیز بر عهده داشته است. (طرح‌های شماره ۱ و ۲ و ۷)

سین پادشاه

دولت و عصر

شام غازان

ویکی

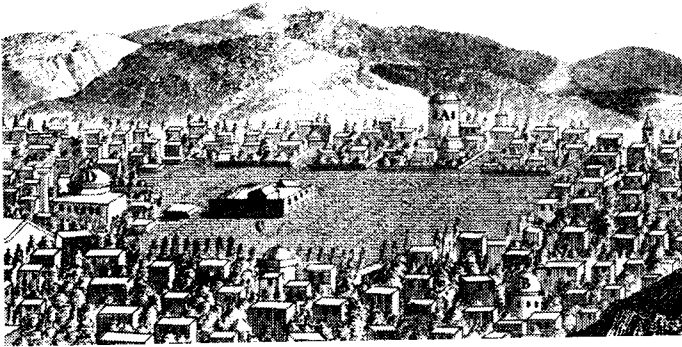
سازمان اسناد و کتابخانه ملی

پایه

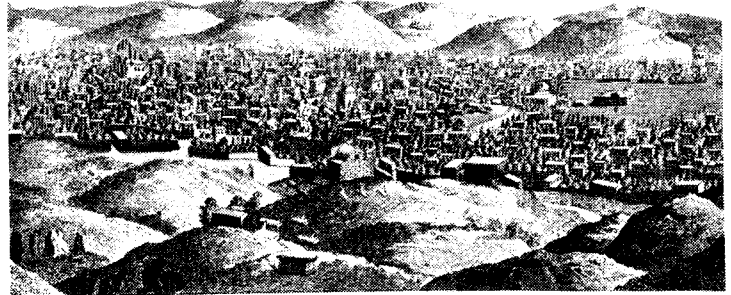
سین پادشاه

دولت و عصر

شام غازان



طرح شماره ۵-بزرگنمایی از طرح شاردن شکل گنبد غازان آشکارتر است (از آرشیو دکتر فخارتهرانی)

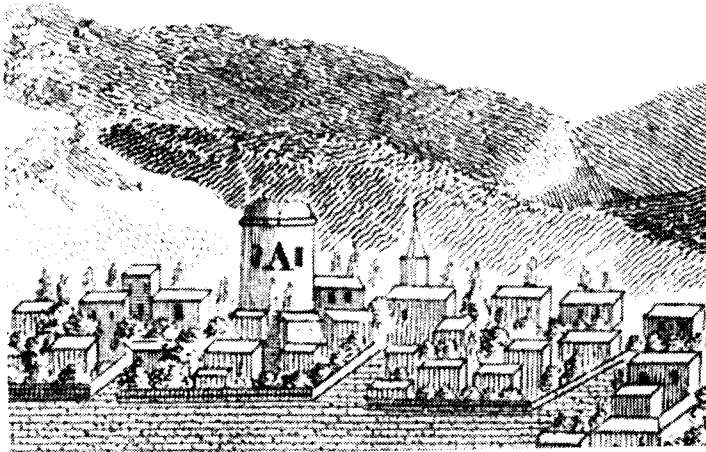


Le Monarque des quatre Bords
 le Monarque d'Asie
 le Monarque le plus renommé
 le Monarque des deux Bords
 le Monarque de ces deux mondes
 le Grand Roi
 Le Monarque
 le Monarque des quatre Bords

شیراز (Tiberyz)

A. Cas. Tiberyz
 B. Pader. Tiberyz
 C. S. Pader. Tiberyz
 D. Tiberyz. Pader. Tiberyz
 E. Pader. Tiberyz. Pader. Tiberyz
 F. Tiberyz. Pader. Tiberyz
 G. Tiberyz. Pader. Tiberyz
 H. Tiberyz. Pader. Tiberyz

طرح شماره ۴-تصویر تبریز در دوره صفوی، زمان بازدید ژان شاردن سیاح فرانسوی، شنب غازان در سمت راست. (از آرشیو دکتر فخارتهرانی)



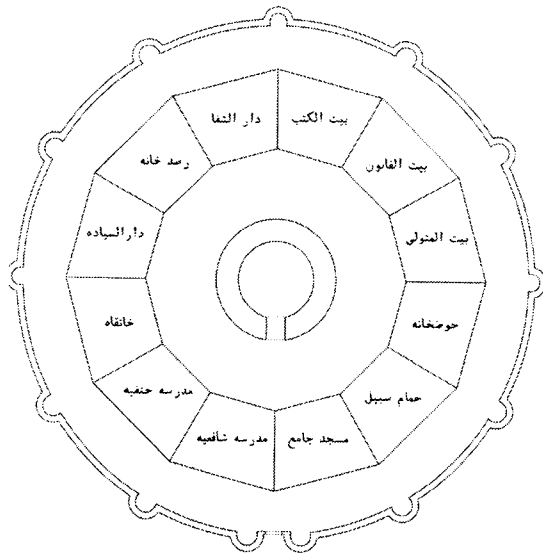
طرح شماره ۶- تصویر دیگری از گنبد غازان که ترمیم‌های روی گنبد دیده می‌شوند خود حاکی از چهار ضلعی بودن فضای زیر گنبد است و گنبد آن در زمان بازدید شاردن فرو ریخته بود (از آرشیو دکتر فخارتهرانی)

نتیجه‌گیری

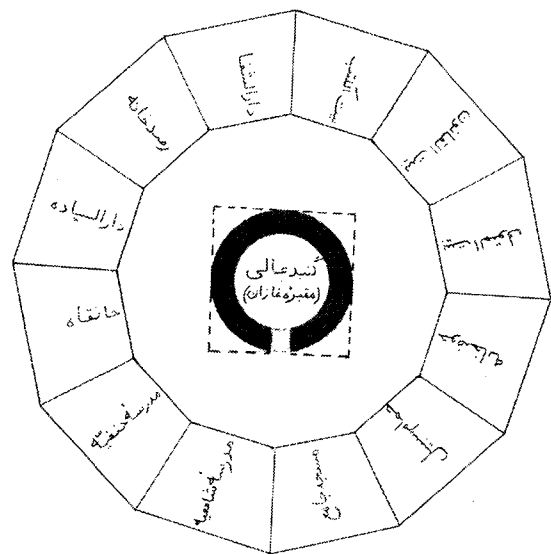
با توجه به گفته‌های وصاف و رشیدالدین که کلیت بنا را به صورت واضح بازگو می‌کنند. به‌ویژه توجه به این قسمت از سخنان وصاف که می‌گوید "و چون دایره بنا مقداری از زمین بالا آمد دیواری از آجر بر روی آن بساختند" (وصاف، ۱۳۷۲، ص ۲۲۹) لذا صحبتی از چند ضلعی بویژه ۱۲ ضلعی بودن خود بنای گنبد یا مقبره در میان نیست و قطعاً بنای آن یا پلان مدور و یا به احتمال قوی‌تر پلان مربع داشته است و مینیاتور مورد اشاره ویلبر و مشابه آن یک مینیاتور نسبتاً کامل‌تر که در کتاب شهرهای ایران در مقاله مرحوم ذکاء منتشر

شکسته‌های آجر و کاشی. (نادر میرزا، ۱۳۷۳، ص ۱۲۳) غازان یک سال بعد از اتمام مقبره‌اش به سال ۷۰۳ و در سن ۳۰ سالگی فوت می‌کند.

دونالد ویلبر محل شنب غازان را در ۳ کیلومتری مغرب مرکز فعلی شهر تبریز نوشته و در سالی که وی از محل بازدید کرده است (در سال ۱۹۳۷ م.)؛ تپه‌ای با انبوه آجر و سفال مواجه شده است که امکان ردیابی هیچگونه خط و خطوطی برای ترسیم پلان وجود نداشته است. و با توسل به تصویر مینیاتور که از شنب غازان در جامع‌التواریخ رشیدی وجود دارد و با توجه به توصیفات وصاف که توسط "هامر پورگشتال" به انگلیس ترجمه شده است؛ سعی کرده طرح بازسازی از نمای گنبد غازان را ارائه نماید (ویلبر، ۱۳۶۵، صص ۷-۱۳۵). (طرح ۳) اما آنچه بایستی بدان توجه نمود این است که در تصویر مینیاتور کتاب جامع‌التواریخ طرح گنبد غازان که بایستی بنای واقع در وسط باشد (طرح ۱) بنا یا استوانه شکل است یا مکعب که گنبدی ناری بر روی آن سوار شده است و سطح اشغال پایه گنبد را در وسط تصویر نشان می‌دهد. این بنا در میان صحن مرکزی است و خود بنای گنبد غازان برخلاف نظر ویلبر به صورت چهار ضلعی رسم شده و صرفاً مجموعه اطراف و حصار پیرامون آن دوازده ضلعی است که در هر ضلعی یکی از بناهای ابواب البر، ساخته شده است. طرحی از بناهای شهر تبریز توسط ژان شاردن سیاح فرانسوی در دوره صفوی کشیده شده است که بنای گنبد غازان را به صورت نیمه ویران اما به خوبی نمایش می‌دهد. این طرح به هیچ وجه با طرح و نظر دونالد ویلبر همخوانی ندارد. زیرا ترمیم‌هایی روی فضای چهارگوش مشاهده می‌شود. (طرح‌های شماره ۵ و ۶ و ۷)



طرح شماره ۸- پلان کامل شماتیک مجموعه شنب‌غازان براساس
جامع التواریخ رشیدی و تاریخ وصاف (طرح از نگارنده)



طرح شماره ۷- شنب‌غازان و فضاهای دوازده‌گانه اطراف آن براساس
جامع التواریخ رشیدی و تاریخ وصاف (طرح از نگارنده)

بنابراین نتیجه می‌گیریم که پلان مقبره‌غازان چهار ضلعی و یا به احتمال دیگر مدور بوده و به عبارتی حجم بنا تا گنبد روی آن استوانه یا مکعب مستطیل بوده است و سپس گنبد، روی آن سوار گشته است. لذا مقبره‌غازان خان در وسط مجموعه بناهای شنب، به عنوان عنصر سازمان دهنده، دوازده بنای پیرامون خود بوده که این بناها هم آرایش دوازده ضلعی داشته‌اند. پس خود گنبد‌غازان دوازده ضلعی نبوده است. (طرح‌های شماره ۷ و ۸)

دقت در طرح مینیاتور (طرح شماره ۱) ما را در مورد شکل مکعبی بنای مقبره تا زیرگنبد به یقین می‌رساند. زیرا دیوارهای دو طرف قبل از قوس گنبد بزرگتر از محدوده گنبد ترسیم شده‌اند که معرف چپیره^۵ گنبد است. چرا که سوارشدن گنبد بر روی حجم چهار ضلعی به کمک گوشه‌سازی‌ها صورت می‌گیرد. لذا در مرحله شکنج^۶، مردگردی در فاصله پاکار قوس گنبد و دیوار زیر آن ایجاد می‌گردد که فاصله قابل توجهی است. صحت وضعیت فوق‌الذکر را تصویر شاردن نیز کاملاً تایید می‌کند زیرا با دقت در طرح شاردن (طرح ۵ و ۶) گوشه‌سازی‌های گنبد تشخیص داده می‌شود. و ترمبه‌هنگامی در بنای گنبد به کار می‌رود که فضای زیر آن چهارگوش باشد آنچنان که در طرح شاردن نیز این چنین دیده می‌شود. اگر شکل فضای زیر گنبد دوازده ضلعی بود (بنا به نظر ویلبر) دیگر لزومی به ساختن گوشه‌سازی‌های عظیم نبود، چه بسا فاصله چندانی نیز بین خاستگاه^۷ و جدار بیرون زیرگنبد مشاهده نمی‌شد. سرانجام اینکه تصویر مینیاتور نیز شکل آن را چهارگوش معرفی می‌نماید و اگر کثیرالاضلاع بود قطعاً طراح می‌توانست، آن را به صورت ۱۲ ضلعی رسم کند. چنانکه، می‌بینیم طرح مینیاتور توانسته است حالت کثیرالاضلاع بودن، اطراف مقبره را ترسیم و نشان دهد. و این نکته در محل اتصال درها و دیوارهای بین آنها مشهود است.

شده است؛ فقط وضعیت دوازده ضلعی پیرامون بنا را نشان می‌دهد. این درحالی است که هنرمند نقاش برای ترسیم چندضلعی کاملاً قادر بود و مسلماً اگر خود مقبره‌غازان ۱۲ ضلعی بود، حتماً آن را به صورت مذکور رسم می‌کرد. در صورتی که اگر ما طرح‌های مینیاتور شنب‌غازان را به دقت بررسی کنیم ۱۲ ضلعی بودن اطراف مقبره را به وضوح در می‌یابیم که هنرمند مینیاتور نیست عصر ایلخانی به‌طور آشکار آن را ترسیم نموده است و چه بسا انتخاب طرح ۱۲ ضلعی توسط‌غازان به دلیل تمایلات شدید وی به مذهب تشیع عمداً انتخاب شده است که برابر با تعداد امامان شیعه است. در پایان بایستی گفت که شنب‌غازان با اندک تغییرات در رویکردها، منبع الهامی برای ایجاد ربیع رشیدی می‌باشد و از گفته‌های رشیدالدین چنین برمی‌آید که شهر تبریز گسترش‌چندان زیادی نسبت به دوره قبل نداشته است و تصمیم‌وزیر و ایلخان در احداث شهرک در بیرون شهر و در شرق و غرب آن از گسترش بی‌اندازه هسته مرکزی و اصلی تبریز جلوگیری کرده است.

تصویری که شاردن، سیاح معروف فرانسوی از مقبره‌غازان تهیه کرده است برخلاف نظر ویلبر، شکل پایه گنبد را مکعب و احتمال دیگر مدور رسم نموده است (طرح شماره ۴) بنابراین طرح بازسازی بنای گنبد‌غازان که توسط دونالد ویلبر به صورت ۱۲ ضلعی ارائه شده را رد می‌نماید. همانطوری که در متون آن دوره یعنی جامع‌التواریخ رشیدالدین فضل‌الله همدانی و تاریخ وصاف اشاره و تصریح شده است؛ ۱۲ بنا با طرح ۱۲ ضلعی، گنبد‌غازان را که خود در مرکز مجموعه قرار داشته و دارای طرح پایه‌ای به احتمال بسیار قوی مربع را در بر گرفته بودند. تصویر مینیاتور شنب در جامع‌التواریخ ترسیم گردیده و طرح کامل و سازمان آن را به صورت شماتیک مشخص ساخته است. (طرح شماره ۱)

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- رجوع شود به شکاری نیری، جواد، جایگاه رنگ در فرهنگ و هنر اسلامی "مجموعه مقالات نخستین همایش هنر اسلامی" انتشارات دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ۱۳۸۱ ص ۱۹۴-۱۷۷ و نیز همان مقاله در مجله مدرس هنر دانشگاه تربیت مدرس دوره اول، شماره سوم، ۱۳۸۲ آمده است.
- ۲- کلمه مغولی به معنی مالیات سپاه است.
- ۳- در طرز نگارش رشیدالدین کلمه پدید به صورت "بادید" نوشته شده است.
- ۴- در کتاب ویلبر نقایص و اشکالاتی در بخش مربوط به شنب‌غازان مشاهده می‌شود از جمله در ترجمه واژه‌ها همچنین اشکالات تاپیی را نیز می‌توان بدان اضافه کرد، به عنوان مثال شمس‌الدین کاشانی بصورت "شمش کاشانی" نوشته شده است باغ عادلیه بصورت باغ عردیلیه و یک بار هم به صورت باغ عدالت، ترجمه ابواب البر به "دروازه تقوا"، حوضخانه به فواره- در صورتیکه حوضخانه محل سر پوشیده‌ای شبیه آب‌انبار در داخل بنا است. لذا کاربرد ی بوده نه تزئینی، گنبد عالی را به "قبه بلند" از آن جمله هستند.
- ۵- چپیره عمل جمع شدن گنبد را می‌گویند که توسط گوشه‌سازی‌های تره‌به چهار ضلعی به هشت و... سرانجام به دایره تبدیل شده و گنبد روی آن سوار می‌شود.
- ۶- عمل تبدیل چهار ضلعی به دایره را در گنبدسازی شکنج می‌نامند.
- ۷- خاستگاه محل شروع گنبد از روی دیوار بنا را می‌گویند.

فهرست منابع:

- خواجه رشیدالدین، فضل‌الله (۱۳۷۳)، "جامع‌التواریخ، تصحیح و تحشیه"، محمد روشن و مصطفی موسوی، ج دوم، چ اول نشر البرز، تهران.
- ویلبر، دونالد (۱۳۶۵)، "معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانی"، ترجمه عبدالله فریار، چ دوم، انتشارات علمی و فرهنگی.
- نکاء، یحیی (۱۳۶۸)، "تبریز شهرهای ایران"، به کوشش محمدیوسف کیانی، جلد سوم، چ اول، انتشارات جهاد دانشگاهی، صص ۱۵۱-۲۰۲.
- فیض کاشانی، مولی محسن (۱۹۸۳)، "المهجه البيضاء فی تهذیب الاحیاء"، ج ۱، ناشر: مؤسسه الاعلی للمطبوعات، بیروت.
- محمد پادشاه (۱۳۳۶)، "فرهنگ آندراج"، مصحح، محمد دبیرسیاقی، جلد چهارم، انتشارات کتاب فروشی خیام، تهران.
- نادر میرزا (۱۳۷۳)، "تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز"، به تصحیح غلامرضا طباطبایی، انتشارات ستوده، ج اول.
- نفیسی، علی اکبر (۱۳۳۵)، "فرهنگ نفیسی"، ج سوم، انتشارات کتابفروشی خیام.
- وصاف الحضرة (۱۳۷۲)، "تحریر تاریخ وصاف"، به قلم عبدالحمید آیتی، چ دوم، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۷۲.
- شکاری نیری، جواد (۱۳۸۱)، "جایگاه رنگ در فرهنگ و هنر اسلامی"، مجموعه مقالات نخستین همایش هنر اسلامی، به اهتمام دکتر محمد خزایی، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس، صص ۱۷۷-۱۹۴، تهران.
- شاردن، ژان (۱۳۴۹)، سیاحتنامه شاردن، ترجمه محمد عباسی، ج ۲، چ دوم، انتشارات امیرکبیر، تهران.